



نقش کالای قاچاق در گسترش فرهنگ مصرف
و کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی

حمید دهقانیان*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

قاچاق کالا به عنوان پدیده‌ای مخرب برای چرخه سالم اقتصاد ملی، بسترساز آسیب‌های متعدد اجتماعی بوده است. رشد بی‌رویه این پدیده در سال‌های اخیر توجه جدی مسئولین امر را به خود معطوف نموده به طوریکه به جرأت می‌توان از آن به عنوان بزرگترین معضل شکوفایی اقتصاد تولید محور نام برد. این پژوهش با فراتحلیل آمار و اطلاعات موجود و مربوط در باب قاچاق در کشور، نظام مسائل آن را استخراج و به عنوان یک مسئله جدی پیامدهای مختلف این پدیده را به ادبیات دینی عرضه داشته، و به واکاوی مفاهیم مقتضی در این ادبیات پرداخته است. یافته‌های پژوهش تناظر و همبستگی قابل توجهی بین گسترش این پدیده و بروز آسیب‌های جدی اجتماعی و اخلاقی را از منظر دین در جامعه نشان می‌دهد که از جمله آنها: (۱) آسیب‌های جدی در گسترش مصرف زدگی و تبعات آن، (۲) تسهیل دسترسی و مصرف مواد و کالاهای نامتناسب با اصول اخلاقی و فرهنگی ما، (۳) کمرنگ شدن فرهنگ کار و تولید که از جمله ارزش‌های بنیادی اقتصاد در منظر دین اسلام است، اشاره کرد. رفع کم‌توجهی و شفاف‌سازی مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارهای دینی در این زمینه با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایران، از جمله راهبردهای لازم برای حل و تخفیف اثرات این پدیده می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های دینی، قاچاق، فرهنگ کار و تولید، مصرف‌زدگی



ابعاد گوناگون پدیده قاچاق و اثرات نامطلوب و مخرب آن در جامعه، امروزه به عنوان چالش و مسئله‌ای جدی برای مسئولین و مدیران به خصوص در بخش اقتصاد کشور مطرح است. آمار موجود در این زمینه، وجود دستورالعمل‌ها، وضع قوانین و حجم تبلیغات و اطلاع‌رسانی در مورد این پدیده، نشانگر گستره نفوذ تأثیرات منفی آن در جامعه است. اختلال به وجود آمده بر اثر قاچاق صرفاً مربوط به ساختار اقتصادی نبوده و پیامدهای آسیب‌زایی را نیز به طور مستقیم و یا با واسطه در سایر شئون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، به دنبال داشته، که برهم کنش موجود این پیامدها منجر به تشدید و بازتولید بیشتر مسائل و آسیب‌ها در این بستر گردیده و امر مداخله و نقطه شروع آن را برای سیاست‌گذاران و مجریان دچار ابهام نموده است به طوری‌که با وجود قوانین متعدد و دستگاه‌های متولی مبارزه با پدیده قاچاق کالا، سهم کشفیات کالای قاچاق تنها به میزان ۲ درصد در کشور بوده است. (ایسنا، ۱۳۹۴) عمده کالاهای مورد قاچاق، در بخش واردات صورت می‌گیرد و تنها کالاهایی مانند سوخت که بدان یارانه دولتی تعلق می‌گیرد و مابه‌التفاوت معناداری نسبت به آن سوی مرزها دارند در بخش صادرات هستند. قاچاق سوخت به خارج از کشور طی سال ۱۳۹۳ روزانه در حدود ۲۰ میلیون لیتر برآورد شده است که ضرر اقتصادی معادل ۷,۳ میلیارد دلار را برای کشور به همراه دارد. بخشی از قاچاق کالا از طریق مبادی رسمی (گمرکات) صورت می‌گیرد. جعل و دستکاری اسناد گمرکی، اظهارنامه‌های خلاف واقع، دورزدن قوانین و تشریفات گمرکی و پرداخت رشوه از جمله ترندهای موجود در این زمینه است. بخش دیگر کالاهای قاچاق، در ارتباط با سوء استفاده و تخطی از مقررات و تسهیلاتی است که دولت به موجب قانون «ساماندهی مبادلات مرزنشینی» مصوب سال ۱۳۸۴، قائل شده است. عدم رعایت محدودیت‌های مقداری، کالایی و زمانی در بار ملوانی (ته‌لنجی)، گذر بازارچه‌ها و تعاونی‌های مرزنشینی از حدود و ثغور تعیین شده در قانون، عدم رعایت ضوابط در کوله‌بری مرزنشینان و گذر مرزی در این مقوله قرار

می‌گیرند. و بالاخره بخش دیگری از کالاهای قاچاق، آنهایی هستند که به نحو غیرقانونی از مبادی غیررسمی عبور داده شده‌اند. عبور مخفیانه از مرز و گذرهای غیرقابل کنترل مرزی و حتی عبور از کنار پاسگاه‌های مرزبانی با تطمیع ماموران، در زمره شیوه‌های عبوردادن کالاهای قاچاق از معابر و مبادی غیررسمی مرزی بوده‌اند. معمولاً کالاهای ممنوع و بخصوص مشروبات الکلی بیشتر از این راه به کشور قاچاق می‌شوند. عدم تناسب این کالاها (مانند مواد مخدر و مشروبات الکلی)، با ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتماعی، مصرف‌زدگی و اشاعه فرهنگ مصرف، اختلال و رکود در عرصه تولید ملی از جمله پیامدهای عمده پدیده قاچاق در جامعه است. ترویج فرهنگ مصرف و به دنبال آن وابستگی مصرفی به واردات این نوع کالاها، یکی از تأثیرات مستقیم و مخرب این پدیده است که بیشتر شامل کالاهای تزئینی، لوکس و یا کم دوام است. این در حالی است که ادبیات دینی ما با نفی مصرف‌گرایی، اسراف و تبذیر به عنوان یک امر غیر اخلاقی، توصیه اکید به حفظ تعادل در مصرف نموده است. فرهنگ دینی، آیات، روایات و سنت پیشوایان دینی ما همه بر قناعت در زندگی نفی زندگی اشرافی و باارزش دانستن حرفه و کار تولیدی متفق‌القول هستند. با توجه به اهمیت تحقق آموزه‌های دینی در جامعه، مبارزه و نفی فرهنگ مصرفی و تشویق به فعالیت‌های مولد جزو اهداف مطلوب سیاستگذاران در این عرصه بوده است. اما متأسفانه یکی از موانع جدی و اصلی شکل‌گیری چنین اهدافی موضوع قاچاق است. دلایل عمده ورود کالای قاچاق به کشور را می‌توان نرخ تقاضای داخلی، کمبود و کاهش تولیدات، عدم کیفیت، جذابیت تولیدات داخل، سود سرشار بالای قاچاق و ریسک پائین آن از یک سو و ناکارآمدی اقتصاد دولتی، سیستم نظارتی و گمرکی، فساد اداری موجود، قوانین با کارایی پائین از سوی دیگر دانست. ورودی که ارمغانش افزایش بیکاری و کاهش رونق اقتصاد مولد و به تبع آن افزایش آسیب‌های اجتماعی و کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی و بروز فقر در سطح وسیعی از جامعه است. این پژوهش سعی دارد

ضمن واکاوی مفهوم پدیده قاچاق، ابعاد و پیامدها آن، به نحوه تأثیرگذاری آن بر فرهنگ مصرفی و ارزش‌های دینی و اخلاقی بپردازد.

تعریف و مفهوم قاچاق

قاچاق یک کلمه ترکی است که در فرهنگ دهخدا به معنای ربوده و آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است. به معنی عملی است که به صورت پنهانی و خلاف قانون انجام می‌شود. و اشاره به خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت بوده و یا معامله آنها ممنوع باشد؛ وارد و یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آنها ممنوع است (فرهنگ عمید). قاچاق یک جرم است و قانون مجازات اسلامی در ایران، قاچاق را جرم مشمول تعزیرات حکومتی می‌داند. قاچاق که به انگیزه فرار صورت می‌گیرد دولت را از درآمدهای قانونی خود، محروم می‌کند و بر این اساس منابع بخش عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (پژویان، ۱۳۸۵) در یک تعریف که سازمان جهانی گمرک ارائه نموده است قاچاق را تخلف گمرکی از طریق جابجایی کالا در طول یک مرکز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی دانسته است. (نوری، ۱۳۸۵) در ایران در اصطلاح گمرک و سایر دستگاه‌های دولت، منظور از قاچاق گریزاندن کالا از پرداخت مالیات و عوارض به دولت است. در مجموع در تعریف قاچاق می‌توان گفت «هرگونه فعالیت غیرقانونی در امر واردات، صادرات، خرید، فروش، تولید، توزیع، حمل و نگهداری کالا و ارز» قاچاق محسوب می‌شود. شخص یا اشخاصی را که مبادرت به انجام قاچاق نماید قاچاقچی یا سوداگر و کالاهای اقتصادی را که مورد قاچاق قرار می‌گیرد کالای قاچاق یا به اختصار قاچاق می‌نامند. (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۲) شکل‌گیری شبکه اقتصاد زیرزمینی یا سیاه که در آن شفافیت لازم وجود نداشته و غالباً به مبادلات پولی و غیرپولی کالاهای اعم از مواد مخدر و الکلی، کالاهای سرقتی، سوخت، انسان و... اطلاق می‌شود از دیگر تعابیر

اقتصادی برای چرخه قاچاق است که عمدتاً به انگیزه سودآوری و فرار از مالیات صورت می‌گیرد. مفهوم قاچاق در برگیرنده طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها می‌شود. این طیف مواردی همچون تولید بدون اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح، بازرگانی بدون ثبت در دفاتر رسمی، عرضه کار بدون مجوز در بازار، دستکاری در اسناد دولتی و تجاری و جعل آنها، رشوه‌خواری، تولید و توزیع کالاهای ممنوع و خرید و فروش آن مثل مواد مخدر، مشروبات الکلی و غیره همگی از اشکال قاچاق اند و همانطور که ذکر شد همه این موارد دو خصیصه مشترک دارند: (۱) بدون مجوزند (۲) افراد با انگیزه کسب سود بیشتر از فعالیت‌های رسمی به این گونه فعالیت‌ها اقدام می‌کنند. (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵)

در یک تعریف که سازمان جهانی گمرک ارائه نموده است قاچاق را تخلف گمرکی از طریق جابجایی کالا در طول یک مرکز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی دانسته است (نوری، ۱۳۸۵). در ایران در اصطلاح گمرک و سایر دستگاه‌های دولت، منظور از قاچاق گریزاندن کالا از پرداخت مالیات و عوارض به دولت است. در مجموع در تعریف قاچاق می‌توان گفت «هر گونه فعالیت غیرقانونی در امر واردات، صادرات، خرید، فروش، تولید، توزیع، حمل و نگهداری کالا و ارز» قاچاق محسوب می‌شود. شخص یا اشخاصی را که مبادرت به انجام قاچاق نماید قاچاقچی یا سوداگر و کالاهای اقتصادی را که مورد قاچاق قرار می‌گیرد کالای قاچاق یا به اختصار قاچاق می‌نامند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۲). در قانون مبارزه با قاچاق مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ مجلس شورای اسلامی، قاچاق کالا و ارز این‌گونه تعریف شده است: «هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود». مفهوم قاچاق در برگیرنده طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها می‌شود. این طیف مواردی همچون تولید بدون اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح، بازرگانی بدون

ثبت در دفاتر رسمی، عرضه کار بدون مجوز در بازار، دستکاری در اسناد دولتی و تجاری و جعل آنها، رشوه‌خواری، تولید و توزیع کالاهای ممنوع و خرید و فروش آن مثل مواد مخدر، مشروبات الکلی و غیره همگی از اشکال قاچاق‌اند و همانطور که ذکر شد همه این موارد دو خصیصه مشترک دارند: (۱) بدون مجوزند (۲) افراد با انگیزه کسب سود بیشتر از فعالیت‌های رسمی به این گونه فعالیت‌ها اقدام می‌کنند. (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵) به تعبیر ساده قاچاق کالا عبارت است از صدور کالا یا واردات آن وقتی به طریق غیرقانونی از مبادی غیررسمی صورت گیرد و یا در عین گذر از مبادی رسمی (گمرکات) تمام یا بخشی از مقررات در مورد آنها اعمال نشده باشد. به این ترتیب به کالاهایی که به شیوه‌های فوق صادر و یا وارد شوند کالاهای قاچاق اطلاق می‌شود اعم از اینکه جزء کالاهای ممنوع باشند (کالاهایی که ورود و صدور آنها ممنوع است) همان: ۴). مانند مشروبات الکلی، ادوات و ابزار قمار، اسلحه، تجهیزات دریافت از ماهواره، داروهای روان‌گردان و مانند آن) و یا کالاهایی مجاز (کالاهایی که صدور و یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی، نیاز به مجوز ندارد مثل منسوجات، مواد اولیه و مصالح ساختمانی) و یا کالاهای مجاز مشروط (کالاهایی که صدور و ورود آنها علاوه بر انجام تشریفات گمرکی حسب قانون نیازمند مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذی‌ربط قانونی است) همان، مانند مواد غذایی و بهداشتی و کالاهای تحت استاندارد ایمنی).

فرهنگ

فرهنگ شامل ترکیب پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنر، اخلاقیات، قوانین، مشخصات و هرگونه قابلیت‌ها و عاداتی است که به وسیله انسان‌ها و اعضای یک جامعه اکتساب می‌گردد. (تیلور، ۱۹۷۴) در تعریف دیگری از فرهنگ آمده است که فرهنگ روشی از زندگی به طور خاص مشخصه‌ها و باورهای عمومی گروهی خاص از مردم در یک

زمان مشخص می‌باشد. (دایره المعارف کمبریج، ۲۰۱۵) به عبارتی دیگر فرهنگ یک سری از فعالیت‌ها و جهان‌بینی‌هاست که انسان‌ها با تصور اینکه افرادی با ارزش‌های مشخص در جهان آن را ایجاد نموده و خود را از بعد وجودی فیزیکی محض بالاتر برده و به منظور انکار بی‌معنایی حیوانی، عقلانیت بیشتری را بدست آورده و آگاهی اکتساب می‌نمایند. (سولومان و همکاران، ۲۰۱۰) در تعاریفی دیگر فرهنگ، مفهوم مرکزی در انسان‌شناسی است که در برگزیده محدوده‌ای از پدیده‌هاست که از طریق یادگیری اجتماعی در جوامع انسانی منتقل می‌گردد. برخی از جنبه‌های رفتار انسان، از جمله زبان، رسوم اجتماعی مانند خویشاوندی، جنسیت و ازدواج، اشکال بیانی مانند هنر، موسیقی، مراسم، مذهب، و فناوری‌های مانند پخت و پزها، لباس کلیات فرهنگی گفته می‌شود که در تمام جوامع انسانی یافت می‌گردد. مفهوم فرهنگ مادی دربرگیرنده مفاهیم فیزیکی فرهنگ همانند فناوری، معماری و هنر می‌باشد در حالیکه ابعاد غیرمادی فرهنگ همانند قوانین سازمان‌های اجتماعی (شامل عملکردهای سازمان‌های سیاسی و موسسات اجتماعی)، اسطوره‌شناسی، فلسفه، ادبیات (کتبی و شفاهی) و علمی است که تشکیل دهنده میراث فرهنگی ناملموس یک جامعه می‌باشد. (مکینز، جان، ۲۰۱۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مصرف و فرهنگ مصرفی

فرهنگ دهخدا مصرف را که کلمه‌ای با ریشه عربی بوده به معنای جای بازگشتن، خرج و صرف، صرف کردن، خرج شدن و به کاربردن آورده است. مصرف به معنای استفاده یا بهره‌برداری از چیزی که با کاهش یا استهلاک آن چیز همراه باشد. (انوری، ۱۳۸۱: ۷۰۷۳) ارزش پولی کالاها و خدماتی که توسط افراد خریداری و تهیه می‌شوند (اخوی، ۱۳۸۰: ۱۴۵)

مصرف اتلاف یک ثروت به منظور ارضای یک نیاز است. (مارسل، ۱۳۵۱، ۲۹۵)

به عبارت دیگر مصرف یعنی استفاده از کالاها و خدمات به منظور ارضای نیاز و تمایلات انسان (رجایی، ۱۴: ۱۳۸۶)

تعاریف فوق تنها از نگاه اقتصادی به مقوله مصرف پرداخته است در صورتی که بر اثر گذر زمان مفهوم مصرف گسترش زیادی در بین علوم فرهنگی و اجتماعی و حتی روانشناختی پیدا کرده است. به طوریکه اندیشمندان اجتماعی از شکل‌گیری مفهوم جدیدی از مصرف که با هویت فرد و جامعه پیوند عمیقی دارد سخن به زبان آورده‌اند. مصرف صرفاً مسئله‌ای اقتصادی نیست، بلکه به لحاظ تأثیرات و پیامدها، روابط و مناسباتی که ایجاد می‌کند و مجموعه مسائلی که به همراه خود می‌آورد به مراتب بیشتر از حدود و ثغور مسائل اقتصادی است (جوادی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). مصرف یک فرایند پیچیده‌ای است که تمام عرصه‌های تولید و مصرف یا استفاده را، پوشش می‌دهد. مفهوم مصرف غیر از مفهوم استفاده و غیر از مفهوم سود یا کارایی است. مفهوم مصرف در واقع مفهومی جدیدی است که ما آن را از کل فرایند زندگی انتزاع کرده‌ایم. چه مرحله‌ای که ما خلق و تولید می‌کنیم و چه مرحله‌ای که ما بهره‌برداری بکارگیری و استفاده می‌کنیم. وجه مفهوم مصرف فقط برای تولید و خلق کالا نیست. در گذشته وقتی از تولید صحبت می‌کردیم مربوط به رفع مایحتاج زندگی بوده اما معنای مصرف در جامعه امروزی به شدت دگرگون گردیده و جزء ارکان اصلی منزلت اجتماعی قرار گرفته است.

مصرف‌گرایی با تغییر اندیشه مردم درباره مصرف پدید می‌آید. در زمان‌های گذشته مردم به تهیه کالاها و خدمات ضرور و درجه اول و بعد کالاها غیرضرور با اولویت و توان خرید خود می‌پرداختند و در تهیه و تولید مایحتاج خود نقش داشتند و این اندیشه رایج مردم بود اما برای اشاعه مصرف‌گرایی لازم بود این نوع نگرش تغییر یابد؛ بنابراین به وسیله تبلیغات از طریق وسایل ارتباط جمعی در نوع نگرش مردم تغییر

داده شد و مردم در پی هر چه بیشتر مصرف کردن بودند و هستند. در این تغییر اصل اساسی این بود که مصرف تبدیل به یک ارزش و هنجار شد و مصرف‌گرایی دیگر نكوهیده نبود. نظام سرمایه‌داری از رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای آماده‌سازی بسترهای فرهنگی و فکری مصرف‌گرایی بهره می‌گیرد و قشرهای اندیشه‌ور و متوسط را هدف خود قرار می‌دهد (سیدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۴). مصرف فرآیندی است که کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوتی را شامل می‌شود و بیان‌کننده تفاوت میان گروه‌های اجتماعی است. (فاضلی، ۱۳۸۲: ص ۲۷) مصرف را می‌توان کلید واژه اصلی گفت‌مان توسعه به خصوص برای کشورهای جهان سوم دانست. ورمابه نقل از کاپت (۱۹۷۴) مصرف را عملی روانشناختی می‌داند که مصرف‌کننده‌ای را که برای به دست آوردن یک سبک زندگی مطلوب بارها شکست خورده است، تشویق می‌کند تا مصرف دیگری را تجربه کند (بهار، ۱۳۹۰: ۱۸). نشانه‌های گسترش زندگی حاصل از جامعه مصرفی را جامعه‌شناسانی چون وبلن، وبر و زیمل در اوایل قرن بیستم به تصویر کشیدند. وبلن و زیمل سبک زندگی طبقه متوسط کلان شهر را تحلیل کردند. سبکی که در آن مصرف لباس، زیورآلات و انواع کالاهای لوکس نقشی محوری داشت. (جولی، ۱۳۸۹)

روند تاریخی مصرف‌گرایی در ایران

با توجه به انسجام اجتماعی صورت پذیرفته توسط دولت‌های صفوی و یکپارچه شده کشور تحت لوای حکومتی واحد، اقتصاد کشور در روند بهبود قرار داشت. هرچند این اقتصاد در مقایسه با کشورهای اروپایی عقب‌مانده محسوب می‌شد ولی اتکای به خود داشته و نیازمندی‌های بخش‌های خود به خصوص در کشاورزی و صنعت به ویژه در صنایع دستس و نساجی را برطرف می‌نمود. سهم مبادلات اقتصادی با بیرون از مرزها و اندک و برابر بود. در اواخر دوره صفویه و اوایل دوره قاجار به علت نابسامانی‌های سیاسی و عدم کفایت مدیریت، شاهد سیر نزولی و رکودی در اقتصاد و مشکلات

عديده در عرصه توليد و ورود کالاهاى خارجى به كشور بوده به طوريكه عوارض دريافتى از توليدگران داخلى به مراتب بيشتر از واردكنندگان کالاهاى خارجى بود. با افزايش ارتباط بين ايران و كشورهاي غربى و نفوذ فرهنگى و اقتصادى غرب در كشور فرهنگ مصرف کالاهاى لوکس و خارجى نخست توسط درباريان و مسافرين فرنگ كه جزء طبقه مرفه جامعه بوده ترويج و اشاعه يافت. كشف نفت و شروع اقتصاد نفتى را مى توان مهمترين عامل تشديد مصرفزدگى عنوان كرد كه منجر به واردات روزافزون کالاهاى متنوع و مصرفى در ازاي درآمدهاى ارزى حاصل از فروش نفت شد. بررسى آمارهاى اين دوره نشانگر افت شديد در توليدات داخلى به خصوص در کالاهاى كشاورزى و مصرفى و همچنين شروع مهاجرت روستائيان به شهر و گسترش شهرنشینی بوده كه نشانگر پيدايش جامعه‌اى مصرفى است. از اين پس بوده كه حكومت پهلوى با اتخاذ سياست درهاى باز، اقتصاد كشور را به شدت به واردات كالاها وابسته نمود به طوريكه الكوى مصرف تابعى از توليدات خارجى گشت. اين روند در پس از انقلاب اسلامى به جز کاهش نسبى در دوران دفاع مقدس به خاطر شرايط ويژه جنگ و عدم فروش مناسب نفت، در ادامه نتوانست الكوى مناسب براى اقتصاد پويا و توليد محور ارائه دهد. امروزه كالاهاى خوراكي، لوکس و مصرفى از جمله اقلام بزرگ واردات را در تراز اقتصادى كشور به خود اختصاص داده است.

ارزش‌هاى دينى و اخلاقى

ارزش‌ها باورهاي ريشه‌دارى هستند كه گروه اجتماعى هنگام پرسش درباره خوبى‌ها و بدى‌ها و كمال مطلوب به آن رجوع مى‌كنند. (كوئن، ترجمه رضا فاضل، ۱۳۷۷: ۷۳)

ارزش‌ها (Values): در اصطلاح دانش جامعه‌شناسى، عقايدى است كه افراد يا گروه‌هاى انساني درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب يا بد است؛ دارند. ارزش‌هاى مختلف نمايانگر جنبه‌هاى اساسى تنوعات در فرهنگ انساني است. ارزش‌ها معمولاً از عادت و هنجار نشأت مى‌گيرند (گيدنز، ۱۳۸۸: ۷۸۷).

ارزش‌ها به عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ و نظام شخصیتی افراد، بر الگوهای رفتاری و تفکری، رفتارها و ترجیحات اجتماعی و سیاسی و... تاثیر مستقیمی دارند. (شوارتز و تاگپرا، ۲۰۰۵: ۸)

تغییر ارزش‌ها می‌تواند باعث تغییر الگوهای رفتاری و فکری شود، زیرا به عنوان یک محرک می‌توانند و یا باید بر انگیزه‌های افراد موثر واقع شوند.

ارزش‌های دینی

مفاهیم مربوط به این که چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، چه چیزی باید وجود داشته باشد و رخ دهد، این ارزش‌ها ناشی از نیروهای فوق طبیعی تلقی می‌شوند. عبارت دیگر ارزش‌های دینی، به آن ارزش‌هایی گفته می‌شود که معنویت را وارد حیات بشر می‌سازند و دارای تقدس‌اند.

ارزش‌های اجتماعی

هر آنچه که تصورات کلی رفتار اجتماعی، که جامعه طالب آن است و به آن ارج می‌نهد را گویند. عبارت دیگر هر آنچه را که اعضای یک جامعه آن را گرامی می‌دارند و در آن وفاق نسبی وجود دارد را ارزش‌های اجتماعی گویند.

ارزش‌های فرهنگی

ارزش‌هایی که موجبات تعالی حیات انسان را فراهم می‌سازند؛ صورتی فرامادی بر حیات می‌بخشند؛ هرگز کهنه نمی‌شود (برخلاف ارزش‌های مادی)؛ که با پیدایی یک وسیله بهتر مادی، وسیله قبلی کهنه و بی‌فایده می‌شود.

ارزش‌های اخلاقی

به ارزش‌هایی که صورت دستوری دارند و رفتار و اندیشه را در جهتی خاص سوق می‌دهند را گویند. علاوه بر این می‌توان به ارزش‌های حقوقی، ذهنی، عینی و... هم اشاره نمود. (ترنر، ۱۳۹۱: ۴۱۸)

ارزش‌ها را می‌توان در زمره مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست. چرا که تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه تغییر نکند، در آن جامعه تغییری مشاهده نخواهد شد. ارزش‌های اجتماعی دیرپا و ماندگارند و یک شبه تغییر نمی‌یابند، همان‌گونه که استقرار ارزش‌ها دیر زمانی طول می‌کشد، تغییر آنها و جایگزینی ارزش‌های جدید نیز به همین سیاق بوده و به مرور زمان و به تدریج صورت می‌گیرد. تحولات ارزشی به گونه‌ای رخ می‌دهند که تا مدت‌ها تغییر و تحولات در لایه‌های زیرین اجتماعی و به طور پنهانی صورت می‌گیرند و یک اتفاق یا حادثه اجتماعی یا سیاسی، به ناگهان آنچه را که در لایه‌های زیرین در حال وقوع است، به لایه‌های رویی جامعه کشانده و در معرض دید همگان قرار می‌دهد. این دگرگونی‌ها در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که نسل جوان‌تر، جایگزین نسل مسن و بزرگسال جامعه شوند.

روش تحقیق

در این پژوهش علاوه بر مطالعه اسنادی مدارک و اطلاعات موجود از روش تحلیل آمارهای موجود و فراتحلیل آن برای بررسی پیامدها و کشف نظام مسائل پدیده قاچاق در ادبیات جامعه‌شناختی بهره‌جسته است. در گام بعدی تحقیق نظام مسئله را در ادبیات دینی واکاوی و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوی تفسیری و ساختاری و تکنیک‌های طبقه‌بندی موجود در این روش‌ها به ارائه مفاهیم دینی مرتبط با موضوع مدنظر مبادرت شده است.

سؤالات تحقیق

پدیده قاچاق دارای چه زمینه و پیامدهایی در جامعه است؟
پدیده قاچاق چه تأثیری در گسترش فرهنگ مصرف دارد؟
مکانیزم تأثیر پدیده قاچاق بر کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی چگونه است؟

یافته‌ها

الف) زمینه‌ها و پیامدهای قاچاق

۱. زمینه و پیامدهای اقتصادی: موارد مختلفی را به عنوان عوامل اقتصادی شکل‌گیری پدیده قاچاق ذکر می‌کنند. از جمله این موارد می‌توان به وجود نیازها و تقاضاها در درون کشور، پایین بودن کیفیت محصولات داخلی و قیمت بالای آنها (نصیری، ۱۳۹۰). پرسود بودن قاچاق کالا، میزان بالای تعرفه‌های گمرک در واردات و صادرات رسمی (پژویان، ۱۳۸۵)، تخصیص یافتن یارانه به بعضی از کالاها در داخل (نصیری، ۱۳۹۰) و پایین بودن ضریب ریسک اقتصادی در قاچاق کالا (نصیری، ۱۳۹۰) اشاره نمود. از جمله پیامدهای اقتصادی می‌توان به تضعیف تولید ملی (آقازاده، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۸)، بی‌توجهی به برنامه‌های اقتصادی (افخم‌زاده، ۱۳۸۸: ۹)، ایجاد هزینه بیشتر در واردات رسمی (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۹)، کاهش سود و درآمد مرزی دولت (نصیری، ۱۳۹۰)، مختل شدن نظام ارزی ملی (نصیری، ۱۳۹۰)، ایجاد اقتصاد پشت‌پرده و تأثیرات منفی بر بازرگانی (آقازاده، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹) اشاره نمود.

۲. زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی: مهم‌ترین زمینه‌های فرهنگی شکل‌گیری پدیده قاچاق شامل تبلیغات موجود در رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای (پورنیازی، ۱۳۸۹: ۵)، وضعیت نابسامانی شغل و کار در حیطه‌های مرزی کشوری، ساختار نابسامان اداری (نصیری، ۱۳۹۰) را می‌توان ذکر کرد. در این زمینه از جمله آثار

و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی می‌توان به آثار منفی قاچاق کالا بر سلامت و بهداشت جامعه (افخم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴)، اختلال در الگوی مصرف جامعه (پورنیازی، ۱۳۸۹)، کاهش فرصت‌های شغلی و رواج بیکاری (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸)، از خود بیگانگی و تهاجم فرهنگی (افشار، ۱۳۸۸: ۱۷۱)، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی (سیف، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، تضعیف فرهنگ کار، گسترش فرهنگ مصرف و تجمل‌گرایی، بیگانگی، کاهش ارزش‌گرایی، هدر رفتن سرمایه اجتماعی، غارت هویت فرهنگی، بحران در کانون خانواده، کاهش امنیت اجتماعی، خدشه‌دار شدن اصول اخلاقی، شکست سیاست‌های فرهنگی دولت و اشاعه الگوی ناسازگار زیست فرهنگی اشاره کرد.

۳. زمینه‌ها و پیامدهای سیاسی و امنیتی: از جمله علل در این زمینه‌ها می‌توان به همسایگان ناامن و ناپایدار کشور (نوری، ۱۳۸۵)، فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی، فقدان یا ضعف قوانین موجود (نوری، ۱۳۸۵)، کمبود تجهیزات و اقدامات نظارتی در مرزها، فقدان دانش کاربردی در عوامل اجرایی و نظارتی، مرزهای طولانی کشور (نصیری، ۱۳۹۰)، فساد در عوامل اجرایی و نظارتی اشاره نمود. در این زمینه آثار و پیامدهای سیاسی و امنیتی شامل مواردی همچون کاهش اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۹)، تهدید امنیت داخلی (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۸)، شکاف طبقاتی (غلامی باغی، ۱۳۸۹: ۵۸)، گسترش روحیه قانون‌گریزی و خلافتکاری، ایجاد فساد مالی در دستگاه‌های دولتی و آلوده کردن نیروهای دولتی، کاهش امنیت عمومی و تیره شدن روابط با کشورهای همسایه و پیامدهای ناشی از آن اشاره کرد. موضوع قاچاق همانطور که در تحلیل بالا مشاهده می‌شود دارای مؤلفه‌ها و ابعاد وسیع و گسترده‌ای است که هر کدام از آنها نیاز به کار جدی پژوهشی مفصلی دارد. با توجه به اقتضا و عنوان پژوهش، در این بخش صرفاً به نقش کالای قاچاق در گسترش فرهنگ مصرف و کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه می‌پردازیم.

تغییر الگوی مصرف مردم

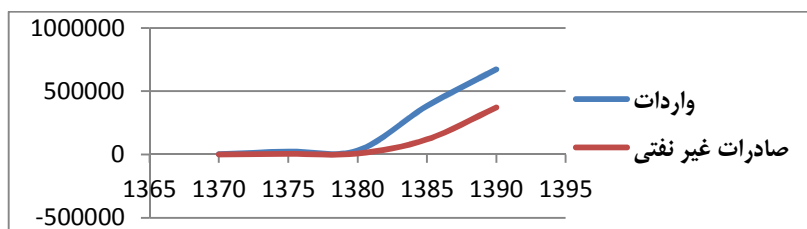
با توجه به نرخ بالای شهرنشینی در کشور و گسترش بی‌رویه آن از یک سو و توسعه ارتباطات و رسانه‌های جمعی از سوی دیگر شاهد تغییر روزافزون نوع و الگوی سبک زندگی به سوس سبک زندگی شهری یا همان شهری شدن هستیم. سبک زندگی که مشخصه آن در فضای دنیای مدرن به خصوص در کشورهای در حال توسعه مصرفی بودن است. نگاهی اجمالی به آمارهای موجود در باب واردات کالا و خدمات در کشور نشان می‌دهد که کالاهای مصرفی بیشترین سهم را در طی این سال‌ها به خود اختصاص می‌دهند. به عنوان مثال واردات کالاهایی لوکس و زینتی براساس مطالعات انجام شده عواملی نظیر زیبایی در طرح و رنگ کالاها، تنوع و نوآوری، لوکس و به روز بودن کالاها، تقلید، چشم و هم‌چشمی، نمایش تفاوت (طبقه) اجتماعی، کیفیت مناسب، تطابق با استانداردها، دوام و استحکام، بسته‌بندی زیبا و ضمانت کالاهای خارجی که کالاهای قاچاق نیز بخشی از آنها است در این گرایش نقش دارند.

شکل‌گیری اقتصاد مصرفی در جامعه ایرانی:

نگاهی به آمار واردات و صادرات در دو دهه اخیر آن شاهدی محکم در رشد واردات به خصوص در کالاهای مصرفی در طول سال‌های اخیر است.

جدول شماره ۱. مبادلات بازرگانی خارجی (میلیارد ریال)

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰
واردات	۲۰۲۶	۲۳۹۳۸	۳۰۹۳۵	۳۸۳۵۶۰	۶۷۲۷۴۶
صادرات غیرنفتی	۱۷۸	۵۴۳۵	۷۴۱۳	۱۱۹۵۰۵	۳۷۱۴۱۰



نمودار شماره ۱. واردات و صادرات غیر نفتی در دو دهه اخیر

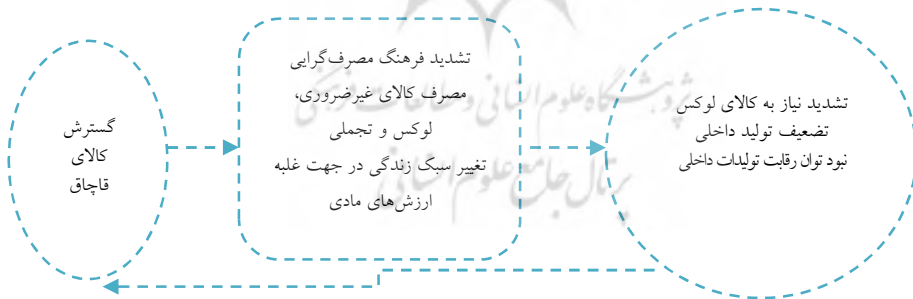
همانطور که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است، کشور در یک نمای کلی از دهه هشتاد شیب رشد مصرف‌گرایی در کشور، و شکل‌گیری اقتصادی مصرفی به خوبی نشان داده شده است. فارغ از بررسی چرایی این موضوع آنچه می‌بایست مورد توجه واقع شود موضوع نقش ورود کالای قاچاق در تشدید این مصرف‌گرایی و تأثیر نامطلوبی که بر چرخه تولید و اشتغال است.

الگوی مصرف کالای قاچاق

هر چند آمار دقیقی از میزان کالای قاچاق در طول یک دهه اخیر که مبارزه با قاچاق به طور جدی در دستور کار قرار گرفته است، وجود ندارد لکن با بررسی آمار کشفیاتی که طی سال‌های اخیر اعلام گردیده و همچنین تخمین مقدار واقعی از روی شاخص‌هایی مانند اقتصاد پنهان که قاچاق یکی از ابعاد مهم آن می‌باشد؛ به جز موارد کالاهای غیرمجاز، الگویی مشابه که تشدیدکننده فرهنگ مصرف است در بخش قاچاق نیز مشاهده می‌شود. تأمین ۷۰ درصدی پوشاک و البسه و سهم یک میلیارد دلاری مصرف سالانه کالاهای آرایشی و بهداشتی تنها نمونه‌ای از گردش مالی این پدیده در کشور است (آمار رسمی گمرک). سهم کالاهایی مانند اسباب بازی، کیف و کفش، تلفن همراه، تجهیزات پزشکی، نیز قابل تأمل است.

کالای قاچاق آثار مخرب بر الگوی مصرف جامعه دارد. ماهیت غیرضروری قاچاق

کالا، جامعه را به سوی تفنن طلبی و تجمل گرایی سوق می‌دهد. قاچاق کالا اصولاً الگوی مصرف داخلی را تغییر می‌دهد و به محض ورود کالای قاچاق، اثرات تبلیغاتی و نمایشی آن بروز پیدا می‌کند. بنابراین قاچاق کالا که عمدتاً حول محور کالای لوکس صورت می‌گیرد آثار منفی فرهنگی بر جامعه دارد. (پورنیازی، ۱۳۸۹). داده‌های تجربی نشان می‌دهند که بیش از ۸۰ درصد مصرف‌کنندگان کالاهای خارجی قاچاق، زیبایی و تنوع و ۵۵/۹ درصد به لوکس بودن این کالاها توجه داشته‌اند همچنین ۶۵/۸ درصد مصرف‌کنندگان نیز تصورشان این بوده که با خرید مارک‌های مطرح (هرچند قاچاق) به منزلت اجتماعی مورد نظر خود دست پیدا می‌کنند. بنابراین طبیعی است که چنین فضایی از گرایش‌ها و نگرش‌ها یا به عبارتی فرهنگ مصرفی، چالشی بزرگ بر سر راه مبارزه با قاچاق کالا تلقی گردد (آمار رسمی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۸۸). با توجه به نکات فوق درمی‌یابیم که گسترش کالای قاچاق و تغییر ذائقه و الگوی مصرفی جامعه در جهت غلبه و پررنگ کردن ارزش‌های مادی دارای رابطه‌ای دوطرفه می‌باشد.



نمودار شماره ۲. چرخه مکانیسم تأثیرات قاچاق کالا بر روند مصرف‌گرایی

تضعیف فرهنگ کار و اشتغال مولد

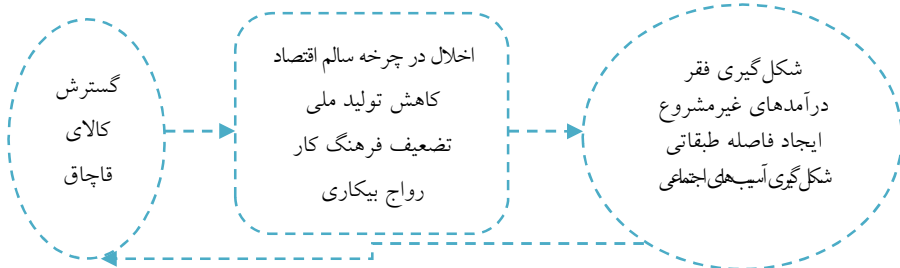
آسیب دیگر مصرف‌گرایی ناشی از پدیده قاچاق متوجه تولیدات داخلی است. بر

اساس آمارهای موجود، قاچاق کالا به طور سالیانه به میزان ۸ درصد تولیدات صنعت داخلی را تضعیف می‌کند (مرکز پژوهش، اطلاعات و آمار ستاد مبارزه با قاچاق کالا) و سازمان بین‌المللی کار ادعا دارد که در ازاء هریک میلیارد دلار کالای قاچاق، یکصد هزار فرصت شغلی از بین می‌رود. از این رو با توجه به ارزش مبادلات کالای قاچاق، حضور کالای قاچاق در کشور ما، به معنای از دست رفتن سالانه دو میلیون فرصت شغلی است. و بنا به اظهارات مسئولین با جمع تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم قاچاق کالا در ایران می‌توان گفت که سالانه باعث از دست رفتن همین مقدار فرصت شغلی می‌شود (ایسنا، اظهارات رئیس سازمان تعزیرات حکومتی، ۹۴/۱۰/۲۲). و این روند، فرآیند توسعه مولد کشور را کند و با اختلال مواجه می‌کند. با ورود کالای قاچاق به داخل کشور کالاهای مورد تقاضا در بازارهای داخلی را با کاهش تقاضای رسمی روبرو شده که این فرآیند منجر به تضعیف میزان تولید کالای داخلی می‌شود. اخلال در سیاست‌گذاری تخصیص ارز به کالاهای وارداتی نیز ضربه دیگری است که پدیده قاچاق به رشد و رونق تولید ملی می‌زند. کالاهای قاچاق که به علت عدم پرداخت مالیات و عوارض گمرکی، قیمت تمام شده پایین‌تری دارند در رقابت با تولیدات داخلی، صنایع داخلی را به رکود فعالیت‌ها و تعطیلی می‌کشاند. کالاهای قاچاق غیرمصرفی و غیرضروری هستند و نه تنها تاثیر بر رشد داخلی ندارد بلکه سبب کاهش تولیدات داخلی می‌شود کالاهای گمرکی به علت نپرداختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی، قیمتی پایین‌تر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی دشوار می‌شود و چه بسا به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت واحدهای تولیدی می‌شود. قاچاق کالا موجب کاهش درآمد دولتی از بخش کالاهای وارداتی می‌شود. این امر در کشور ما با توجه به کسری بودجه اهمیت بسیاری دارد. ورود غیرقانونی کالا موجب محروم شدن دولت از دریافت سود بازرگانی، حقوق گمرکی و مالیات می‌شود کاهش درآمد دولتی از سه طریق صورت می‌گیرد: گسترش

اقتصاد زیرزمینی، کاهش تعرفه‌ها و کاهش درآمد ارزی. بنابراین بسیاری از درآمد دولت که می‌بایست در حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌داران مولد در کشور صرف شود به جیب قاچاقچیان می‌رود. مهم‌ترین پیامد منفی اجتماعی و در عین حال اقتصادی قاچاق کالا، بیکاری است. همانطور که گفته شد قاچاق کالا با کاهش تولید داخلی در بخش اقتصاد، موجب کاهش سرمایه‌گذاری در امر تولید و اشتغال می‌شود. البته بین قاچاق کالا و بیکاری رابطه دو طرفه وجود دارد. از یک سو بیکاری و فقدان فرصت شغلی موجب گرایش به قاچاق می‌شود و از سوی دیگر قاچاق هم باعث بیکاری می‌شود. از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی، بیکاری و فقر می‌تواند عامل عمده‌ای در پیدایش نابسامانی‌های رفتاری و روانی و در نتیجه موجب بالا رفتن انواع کجروی‌های اجتماعی از جمله قاچاق باشد. فقر، ترس از مجازات را به حداقل می‌رساند و فرد محروم مسئولیت عمل ضد اجتماعی خود را متوجه بی‌سامانی اجتماعی می‌داند و لذا به سمت قاچاق گرایش پیدا می‌کند. فرد قاچاقچی به سبب سود و درآمد سرشار ناشی از قاچاق دیگر تمایلی به کار حلال و تولیدی ندارد و همواره به سود بیشتر فکر می‌کند. به عبارتی فردی که سود قاچاق را تجربه کرد به سختی درمان می‌شود. از آنجا که صنایع تولیدی داخل قادر به رقابت با کالای قاچاق بدون گمرک و عوارض نیستند، قاچاق زیرساخت‌های اقتصادی را زایل کرده و صنایع تولیدی داخل را نابود می‌کند. با رکود صنایع تولیدی داخل مشکلات اقتصادی کارفرمایان و لذا بیکاری کارگران دامنگیر اقتصاد جامعه می‌شود. بنابراین درآمدهای غیرمشروع بیکاری، فقر و فاصله طبقاتی را بدنبال خواهد داشت که خود زمینه‌ساز گرایش به سوی قاچاق است. این چرخه ادامه یافته و روز به روز سایه غول قاچاق بخش وسیع‌تری از اقتصاد جامعه را در بر می‌گیرد. نابسامانی عرصه اشتغال و عدم تولید فعال و پایدار که از علل افزایش میزان بیکاری در جامعه است بسترساز پیدایش آسیب‌های معتابه اجتماعی است. اولین تأثیر بیکاری در جامعه خود را در قامت فقر نشان می‌دهد که از آن به



عنوان مادر آسیب‌های اجتماعی یاد می‌کنند.



تسهیل دسترسی به کالاهای حرام و غیرمجاز و کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی

برخی از محصولات به صورت سازماندهی و جهت‌دار با هدف تهاجم به ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی به داخل کشور قاچاق می‌شوند. از جمله این محصولات می‌توان به محصولات صوتی و تصویری اسباب بازی و لوازم آرایشی اشاره کرد. این محصولات با آثار مخربی که بر روی قشر جوان دارند باعث از هم گسیختگی نظام فکری شده و به عنوان ابزار تهاجمی عمل می‌کنند. بر اساس گزارش منابع غیررسمی، روزانه بیش از دو و نیم میلیون دلار انواع مشروبات الکلی از مرزهای غربی به ایران قاچاق می‌شود. مصرف مشروبات الکلی به هر طریق که تهیه شده باشد و از هر مسیری که به کشور وارد شده و به بازار عرضه شده باشد، حرام و از این‌رو تجارت آن نیز ممنوع است. حرام بودن برخی کالاها از نظر شرع مقدس اسلام به دلیل زیان‌هایی است که به لحاظ جسمی و روانی به فرد و اجتماع وارد می‌کنند. مصرف الکل ریشه‌ی بسیاری از جرایم مثل قتل، تجاوز، خودکشی، فحشاء، ضرب و شتم و ... است. رفتارهای نامناسب، پرفری یا کم‌حرفی، بی‌ربط حرف زدن، گوشه‌گیری، پرخاشگری، رفتارهای نامناسب جنسی، ناتوانی در انجام حرکات دقیق و ظریف، اشکال در به‌خاطر سپاری وقایع، تغییرات خلقی، اختلال در قضاوت، اختلال در عملکرد شغل اجتماعی، توهمات

شنوایی پایدار، ابتلا به فراموشی، و اختلال خواب و ... از جمله پیامدهای روانی مصرف الکل و مواردی چون ابتلاء به سیروز و نارسایی کبدی، بیماری‌های معده، مری، لوزالمعده، ناتوانی جنسی، افزایش خطر سرطان‌های دستگاه‌های گوارش، سرو گردن، سوء تغذیه، اختلال شدید در هماهنگی و کنترل هیجانات، کاهش سطح هوشیاری و اغماء و نهایتاً مرگ در اثر فلج عضله تنفسی از جمله عوارض جسمانی مصرف الکل به حساب می‌آیند واردات مشروبات الکلی خود به خود برای مصرف‌کنندگان اثر سوء اجتماعی داشته و سست شدن اعتقادات دینی و ملی، افزایش قتل و تجاوز و غیره را به دنبال دارد و یا قاچاق زنان و دختران فراری از منزل و در اختیار عیاش خانه‌های خارج از کشور قرار دادن آنها به شدت عواطف و اعتقادات مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

پدیده قاچاق به‌واسطه‌ی حضور کالاهای جذاب و غیرفرهنگی و به‌دلیل تبلیغاتی که با خود وارد می‌کنند ارزش‌های دینی و اصول اخلاقی جامعه ما رو به خطر می‌اندازند. در این زمینه می‌توان به عنوان مثال به مصرف داروهای روان‌گردان، الکل و لوازم آرایشی و انواع پوشاک قاچاقی اشاره کرد که به دلیل داشتن تصاویر تبلیغاتی ضد اخلاقی و ضد دینی ذهن جوانان و مصرف‌کنندگان داخلی را خدشه‌دار می‌سازند. کالاهای وارداتی قاچاق با تبلیغات خارجی به دلیل عدم انطباق با هنجارهای اخلاقی و دینی جامعه ما، اصول و هنجارهای دینی و اخلاقی جامعه را دستخوش تغییر قرار داده و سبب آسیب اخلاقی و دینی در بین اقشار مختلف جامعه بویژه جوانان می‌شوند. ابزارهای دریافت تصاویر ماهواره‌ای، وسیله‌ای برای تماشای برنامه‌های مستهجن و نمایش‌های مبتذل و غیر اخلاقی بوده و زمینه‌ساز برداشته شدن وقاحت و قباحت امور و رفتارهای ضد اخلاقی و ضد ارزشی می‌شوند. برنامه‌های ماهواره‌ای اغلب به‌صورت هدفدار فرهنگ و ارزش‌های جامعه را نشانه رفته، معنویات را هدف قرار می‌دهند و موجب نشو و نمای فرهنگ ابتذال، برهنگی و بی‌بندوباری در جامعه می‌شوند. سهم



این برنامه‌ها در شکستن قداست خانواده، افزایش طلاق و متلاشی شدن نهاد خانواده قابل تامل است. وجود احکام آشکار در رساله‌های عملیه دینی مبنی بر حرمت مصرف مواد الکلی و مخدر افیونی و همچنین تماشای تصاویر مستهجن دال بر نقش این موارد در بروز آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی دارد.

واکوی پیامدهای کالای قاچاق در ادبیات دینی

الف) نفی فرهنگ مصرفی

همانطور که در بخش پیشین ملاحظه شد یکی از پیامدهای مرتبط با پدیده قاچاق، اشاعه فرهنگ مصرفی شدن در جامعه است، در این قسمت با رجوع به ادبیات دینی موجود به تحلیل آثار زندگی مصرفی و سهم آن در کمرنگ شده ارزش‌های دینی در جامعه می‌پردازیم. بدیهی است به علت غنای مفاهیم دینی در مورد این مسائل تنها به برخی از آیات و روایات بنابر اقتضای مقاله و صرفاً بای اهمیت موضوع پرداخته‌ایم.

نوع انسان داری نیازهایی است که نیازهای اقتصادی و مادی از جمله اولین و حیاتی‌ترین آنها است به طوریکه طی کردن مدارج عالی تربیتی یا همان فرایند کمال بدون داشتن محیط و نظام اقتصادی سالم و پویا برای بشر ممکن نمی‌باشد. وضع احکام متعدد در دین اسلام و دقت نظری در مسائلی همچون کسب مشروع درآمد و ثروت خود گویای این حقیقت است که از منظر اسلام اقتصاد یک مقوله مهم در شکل‌دهی به یک بستر مناسب برای رشد فضیلت‌های انسانی است یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت است، همان طوری که از شرایط اولیه یک اجتماع سالم اقتصاد سالم است. اقتصاد سالم یعنی اقتصاد قائم به ذات و بی‌عیب و غیرقائم به غیر. جامعه باید بنیه اقتصادی سالمی داشته باشد، مبتلا به کم‌خونی اقتصادی نباشد و اگر نه، مانند یک مریض کم‌خون و یا مریضی که دستگاه قلب و جهاز دموئه‌اش خراب است همیشه مریض خواهد بود. گمان نمی‌رود هیچ عالم و

بلکه هیچ عاقلی منکر لزوم و ضرورت اقتصاد سالم باشد. از نظر اسلام هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیرقابل تأمین است. (مطهری، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۴۰۵). وجود مقررات متعدد در اقتصاد اسلامی خود دلیل اهمیت این موضوع در نزد دین اسلام و پرداختن به آن است. توجه به نقش مهم اقتصاد در رشد / جمود و تعالی / انحطاط جامعه، و نگاه اسلام به عنوان یک شریعت جامع به کمال زندگی انسانی که در بستر جامعه و وابسته بدان متحقق می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸)، شاهد ادبیات و احکام فراوان دینی در باب اقتصاد و موضوعات مرتبط با آن هستیم. (از جمله آیاتی که به قسط و اجرای آن اشاره دارند: احزاب ۳۳: ۳۹، حدید، ۵۷: ۲۵، انبیاء (۲۱): ۷۳، نساء ۱۳۵، اعراف ۲۹، انعام ۱۵۲، مائده ۴۲، نحل ۹۰، شوری ۱۵، مائده ۸، نساء ۵۸، نساء ۳، و همچنین روایات زیادی از معصومین علیهم السلام در این زمینه نقل گردیده که ذکر آنها مجال بیشتری را طلب می‌نماید). در این بین شیوه و الگوی مصرف به دلیل اینکه آثار و ابعاد فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی چه در بعد مادی و چه معنوی و اخروی داشته است، واژگانی پرکاربرد در ادبیات اقتصاد اسلامی بوده که همواره با تأکید فراوانی همراه بوده است. ترویج فرهنگ مصرف که منجر به پدیده تکاثر در جامعه می‌شود از یک سو باعث پیدایش معیارهای منزلتی کاذب و توسعه ارزش‌های مادی و رشد تکریم آنها شده و از سوی دیگر با ایجاد فقر و شکاف طبقاتی در جامعه، چرخه تعادلی توزیع ثروت را به هم زده و بخش عظیمی از افراد جامعه را محروم می‌سازد که این محرومیت بسترساز آسیب‌های اجتماعی بسیاری نیز می‌باشد. علاوه بر این موضوع ترویج فرهنگ تکاثر و تفاخر که موجب شکل‌گیری شکاف طبقاتی در جامعه است به پیدایش تمایزات و پایگاه‌های اجتماعی منجر شده که نتیجه نهایی آن سبک‌های زندگی متفاوت است که غالباً بر مبنای اقتصاد و ارزش‌های مادی شکل می‌گیرد. این موضوع مهم، درست بر خلاف اهداف تربیتی نظام اسلامی است که در بعد فردی معیار تقوا را ملاک برای برتری و در بعد اجتماعی عدالت اجتماعی



را مبنا و معیار حاکمیت اسلام می‌داند. اسراف و تبذیر و تضييع مال در راه حرام می‌تواند مولد آسیب‌هایی به نام فقر و تکاثر باشد که دو روی یک سکه و آن هم از بین رفتن عدالت باشد که نبود آن بلای خانمان‌سوز هر جامعه است. مصرف بیش از حد زمینه‌ساز انواع لغزش‌ها، اسراف‌ها، فخرفروشی‌ها تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود. از این‌رو، بخشی از آیات قرآنی به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش درست مصرف کردن اختصاص یافته است. آیات و روایاتی که در آنها به میانه‌روی در مصرف، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از هدر دادن اموال، پرهیز از راکد گذاشتن اموال و... اشاره شده است، همه در پی فرهنگ‌سازی برای مصرف هستند.

(غلامرضایی، ۱۳۸۹)

اسراف و تجمل‌گرایی

«ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید» (سوره بقره، ۶۰). اهمیت اعتدال در مدیریت زندگی فردی و اجتماعی به اندازه‌ای است که امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «هرگاه خداوند بخواهد به بنده‌ای خیری برساند، میانه‌روی و تدبیر نیکو را به او می‌آموزد و او را از بی‌تدبیری و اسراف دور می‌کند» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱ و حاجی صادقی، ۱۳۸۸، صص ۵۷ — ۵۶)، زیرا خداوند میانه‌روی را دوست و اسراف را دشمن می‌دارد (صابری یزدی، ۱۳۷۲، صص ۷۴۸ و ۶۴۹). همچنین در جای دیگر، نتیجه قهری رعایت نکردن اعتدال در مصرف چنین بیان شده است که افراد یا جامعه‌ای، امور مالی و اقتصادی خود را درست (با اعتدال و میانه‌روی) اداره نکنند، گرفتار فقر و سختی می‌شود (حر عاملی، ۱۳۷۷، تصحیح مهریزی و درایتی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ صابری یزدی، ص ۶۶). قرآن کریم در آیه ۱۴۱ سوره انعام در مورد اصلاح الگوی مصرف و بهینه مصرف کردن می‌فرماید: (کلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقه يوم حصاده و لاتسرفوا انه لایحب المسرفین) «و از آن میوه هنگامی که به ثمر می‌نشیند بخورید و حق آن را به هنگام درو بپردازید

و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. علامه طباطبایی (ره) در توضیح عبارت «لاتسرفوا» نوشته است: ولا تسرفوا معنایش این است که در استفاده از این میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز نکنید. درست است که شما صاحب آن هستید، ولی نمی‌توانید در خوردن و بذل و بخشش آن زیاده‌روی کنید و یا در غیر مصرفی که خدا معین فرموده به کار ببرید، مثلا در راه معصیت خدا صرف نمایید و همچنین فقیری که از شما می‌گیرد نمی‌تواند در آن اسراف کند و آن را تزییع نماید. پس مفهوم آیه مطلق است و خطاب آن شامل همه مردم چه مالک و چه فقیر می‌شود. (تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۳۶۴). یکی از پیامدهای مصرف نادرست، زندگی اترافی است منظور از مترفی زندگی در ناز و نعمت (مرفهان بی درد) است که اموال به دست آورده از راه غضب، اجحاف و سرقت ربا اسراف و اتراف هزینه نموده و با جاه طلبی تمام به تجمل و ترویج آن می‌پردازند. از جمله نتایج چنین زندگی مخالفت با انبیاء و صالحان و زیر بار حرف حق نرفتن می‌باشد. در قرآن کریم آمده است: (و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثر اموالا و اولاد و ما نحن بمعذبین) (سوره سبأ، آیات ۳۴ و ۳۵). در هیچ شهری بیم‌دهنده‌ای (پیامبری) را به رسالت نفرستادیم مگر اینکه شاد خوران (مترفین و مرفهین بی‌درد) گفتند ما به این دین که برای ابلاغ آن آمده‌اید اعتقاد نداریم و گفتند: ما اموال و فرزندان بیشتری داریم و ما عذاب نخواهیم شد. از دیدگاه قرآن یکی از آثار پیامدهای اسراف و مصرف‌گرایی، فساد در زمین است؛ زیرا هرگونه تجاوز از حد، موجب فساد و از هم گسیختگی می‌شود و به تعبیر دیگر سرچشمه فساد، اسراف است. قرآن کریم در آیه‌های ۱۵۰-۱۵۳ سوره شعراء می‌فرماید: «فاتقوا الله و اطيعون، ولا تطيعوا امرالمسرفین، الذین یفسدون فی الارض ولا یصلحون» «پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید، همان‌ها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند» یکی دیگر از آثار و پیامدهای اسراف و مصرف‌گرایی گمراهی و

محرومیت از هدایت الهی است. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره غافر می‌گوید: (کذلک یضل الله من هو مسرف مرتاب) این گونه خداوند هر اسراف کار تردیدکننده ای را گمراه می‌سازد»

ب) ارزش کار و تولید در اسلام

کاهش تولیدات داخلی و اخلال در روند اقتصاد فعال و مولد که منجر به افزایش نرخ بیکاری در کشور می‌شود از دیگر پیامدهای گسترش پدیده قاچاق در کشور است. بیکاری اثر مستقیمی در گسترش فقر و به تبع آن آسیب‌های اجتماعی متعدد دارد. در این قسمت ابتدا به بررسی ارزش کار و فعالیت مولد در نگاه اسلام پرداخته و در ادامه با آثار فردی و اجتماعی فقر اقتصادی به عنوان یکی از نتایج بیکاری، نقش آن را در پیدایش آسیب‌ها و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی یادآور می‌شویم.

آیات:

«فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (جمعه: ۱۰) هنگامی که نماز پایان یافت، شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۳). برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ» (شوری/۲۷) اگر خداوند، روزی را بی حساب برای بندگانش بگستراند، از جاده حق منحرف می‌شوند؛ و لکن به اندازه‌ای که می‌خواهد نازل می‌گرداند.

روایات:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «وَيْلٌ لِصُنَاعِ امَّتِي مِنَ الْيَوْمِ وَغَدًا». (مستدرک، ج ۱۲:

۳۱۰) وای به حال صنعتگران امت من، از اینکه در کار مردم، امروز و فردا کنند. «ما اكل العبد طعاماً احبَّ الى الله تعالى من كد يده و من بات كالأ من عمله بات مغفوراً

لَهُ». بنده، هیچ غذایی نخورد که نزد خدای متعال محبوب‌تر از دسترنج او باشد، و هر که شب را با تنی خسته از کار بخواهد، آمرزیده شود (میزان الحکمه، ۵۱۷۷). «خَيْرُ الكَسْبِ كَسْبُ يَدِي الْعَامِلِ إِذَا نَصَحَ» (همان). بهترین درآمد، درآمد کارگری است که در کارش صداقت داشته باشد. امام علی علیه السلام: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ. (همان، ج ۱۷: ۴۰) کسی که آب و خاک در اختیار دارد و با فقر زندگی می‌کند، نفرین و لعنت خدا بر او باد. «قَلِيلٌ تَدْوُمُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۰). کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش‌تر از کار فراوانی است که از آن دل زده شوی. تَمَامُ الْعَمَلِ اسْتِكْمَالُهُ. تمام شدن کار، به کامل کردن آن است. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۲۲، ح ۳). «مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْ قُوَّةً وَ مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْ فِتْرَةً» (همان، ۲۸۰۲). هر کسی به انجام کاری برخیزد، نیرومندتر می‌شود و هر کس در کاری کوتاهی کند، سستی او افزایش می‌یابد. امام سجاد علیه السلام: اِنِّي لِأَحِبُّ اَدْوَمَ عَلَيَّ الْعَمَلِ وَ اِنْ قَلَّ. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۲). من دوست دارم که در کار، پیوسته باشم، اگر چه اندک باشد. امام صادق علیه السلام: اِعْمَلْ وَ اِحْمَلْ عَلَيَّ رَأْسِكَ وَ اسْتَعْنِ عَنِ النَّاسِ (المحجّه البيضاء، ج ۹۳، ص ۱۴۳) کار کن و با سر خود بار ببر و بدین وسیله، خویشتن را از کمک مردم، بی‌نیاز ساز! پیامبر صلی الله علیه و آله: «لَئِنْ يَحْتَطَبُ الرَّجُلُ عَلَيَّ ظَهْرَهُ فَيَبِيعُهُ وَ يَسْتَعْنِي بِهِ وَ يَتَصَدَّقَ بِفَضْلِهِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ رَجُلًا أَنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَيُعْطِيهِ أَوْ يَمْنَعُهُ» (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۲۹). اگر مردی هیزم جمع کند، آن را بر دوش خود حمل کند و بفروشد و با آن خویشتن را بی‌نیاز کند و اضافه‌اش را صدقه بدهد، بهتر از آن است که از ثروتمندی کمک بخواهد، خواه مرد متمکن به او چیزی بدهد یا محرومش سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءَ اِفْضَلِهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (الکافی، ج ۵، ص ۷۸) عبادت هفتاد جزء است که بهترین آن، کوشش در به دست آوردن مال حلال است. پیامبر صلی الله علیه و آله: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتَعْفَافًا عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَ سَعِيَ عَلَى عِيَالِهِ وَ تَعَطَّفًا

عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۷). کسی که در پی مال مشروع برود برای آنکه (آبروی) خود را از ذلت درخواست کردن، نگه دارد، و عائله خویش را اداره کند و به همسایه خود کمک کند، خداوند را ملاقات می کند در حالی که صورتش مانند ماه تمام می درخشد. امام صادق علیه السلام: «الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مَحْجَةُ الْبَيْضَاء، ص ۱۴۳). کسی که برای گذران زندگی خانواده اش تلاش کند، همانند جهادکننده در راه خدا است.

در نکوهش بیکاری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «یا علی! ایاک و خَصَلَتَيْنِ: الضَّجْرَةَ و الكَسْلَ فَأَنْتَ أَنْ ضَجِرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ، و إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَوْدَّ حَقًّا» (میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۱۸۷). ای علی! از دو خصالت پرهیز؛ بی حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر بی حوصله باشی، بر حق شکیبایی نوری و اگر تنبل باشی، حقی را ادا نکنی. «أَمَّا عَلَامَةُ الْكِسْلَانِ فَأَرْبَعَةٌ: يَتَوَانَى حَتَّى يَفْرَطَ، و يَفْرَطُ حَتَّى يَضِيعَ و يَضِيعُ حَتَّى يَأْتِمَ، و يَضِجُرُ (همان). نشانه تنبل، چهار چیز است: چندان سستی می کند که به کندی می گراید؛ و چندان کندی می کند که (اصل کار) را فرومی گذارد؛ و چندان فروگذاری می کند، که گنهکار و دل مرده می شود. امام علی علیه السلام: «تَأْخِيرُ الْعَمَلِ عُنْوَانَ الْكِسَالِ» (همان). به تأخیر افکندن کار، نشانه تنبلی است. التَّوَانَى اضَاعَةٌ». سستی (در کار)، ضایع کننده (عمر و فرصت) است. «مِنْ سَبَبِ الْجِرْمَانِ التَّوَانَى». یکی از عوامل محرومیت، سستی در کار است (همان). «مَنْ اطَاعَ التَّوَانِي، ضَاعَ الْحَقُوقُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱).

نفی فقر در جامعه

فقر، ضد غنا، و به معنای نیاز است و در اصطلاح به کسانی فقیر گفته می شود که هزینه یک سال را بالفعل و بالقوه نداشته باشند. نیز گفته می شود: کلمه «فقر» به معنای شکافی است که در عضو و غیر آن بوده باشد و «فقیر» یعنی کسی که مهره پشتش شکسته است و انسان فقیر را از این حیث فقیر گویند، که گویا مهره پشتش به خاطر

ذلت و خواری از ناحیه فقر شکسته است (ابن فارس، ج ۴، ص ۴۳۳). تهیدستی و نیازمندی‌های مالی از جمله انواع فقر است که در مکتب اسلام در گستره‌ی وسیعی به آن پرداخته شده است: «الْفُقَرَاءُ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا» [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندان است که در راه خدا فرو مانده‌اند، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، چیزی از مردم نمی‌خواهند. قال الامام الرضا (عليه السلام): المسكنه مفتاح البؤس (الحياه، ۱۳۸۸، ۲۸۴). امام رضا(ع): ناداری و تهیدستی کلید بدبختی است توصیفاتی که از پدیده فقر اقتصادی و ناخواسته در روایات معصومین (ع) شده است حاکی از این واقعیت است که این شکل از فقر به هیچ وجه مطلوب زندگی انسان نبوده و انسان را به ورطه نابودی و هلاکت در زندگی دنیوی و اخروی می‌کشاند. در ذیل پاره‌ای از این روایات را مرور می‌کنیم:

- ۱— بدتر از قتل: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ (جامع الاخبار/۲۹۹/۸۱۶). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر، سخت‌تر از کشتار است
- ۲— بالاترین مرگ: قال الإمام علي عليه السلام: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ (نهج البلاغه/ح/۱۶۳). امام علی علیه السلام: فقر، مرگ سخت‌تر است.
- ۳— روسیاهی: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ (بحار/ج/۶۹/ص ۳۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله: فقر، روسیاهی در دوسرا است.
- ۴— بدتر از قبر: قال علي عليه السلام: الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ (كافي/ج/۸/ص ۲۱). امام علی علیه السلام: قبر بهتر است از فقر.



امام صادق علیه السلام فرمودند: لقمان گفت: ... همه تلخی‌ها را چشیدم، و چیزی تلخ‌تر از فقر ندیدم.

۵ — سخت‌تر از آتش نمرود: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اوحى الله الى ابراهيم فقال يا ابراهيم! خلقتك و ابتليتك بنار نمرود فلو ابتليتك بالفقر و رفعت عنك الصبر فما تصنع؟ قال ابراهيم عليه السلام يا رب الفقر اشد من نار نمرود (بحار/ ۷۴/۷۲). رسول خدا می‌فرماید: خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی فرستاد که: ای ابراهیم! تورا آفریدم و به آتش نمرود آزمودم، اگر تو را به فقر می‌آزمودم و صبر را از تو می‌گرفتم چه می‌کردی؟ ابراهیم عرض کرد: خدایا! فقر از آتش نمرود سخت‌تر است.

آثار مخرب فقر در حوزه فردی

برخی از آثار زیان بار فقر عبارتند از:

۱- **خود کمتر بینی:** فقر مادی احساس حقارت و خود کمتر بینی را به دنبال دارد، به گونه‌ای که حتی فقیر، در میان خانواده‌ی خود نیز نمی‌تواند شخصیت حقیقی و عزت نفس خویش را بازیابد. او در حقیقت از دیدگان دیگران فراموش می‌شود. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقْرَ يَنْسِي** (الحياة، ج ۴، ص ۳۹۴) فقر، انسان را به فراموشی می‌سپارد.

۲- **ضعف اراده:** نتیجه‌ی مستقیم خود کمتر بینی و احساس حقارت فقیر، سلب اعتماد به نفس و سستی اراده‌ی اوست. الإمام علی (علیه السلام): **... وَ إِنْ افْتَقَرَ قَطَطَ وَ وَهَنَ...** (همان، ص ۴۳۰) و اگر انسان فقیر شود، نومید و سست گردد. الإمام علی (علیه السلام): **إِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهِشَةٌ الْعَقْلِ...** (غررالحکم، ۳۶۵). فقر، سبب پریشانی حواس، سرگستگی عقل و گرفتار شدن به غم و اندوه می‌شود.

۳ — **تشویش و اضطراب:** فقر مادی و فشارهای اقتصادی ناشی از آن، انسان را

می‌آزارد و پیوسته جان و دلش را به خود مشغول می‌سازد و تشویش و اندوه حاصل از آن، آرامش روحی وی را بر هم می‌زند. الإمام علی (ع): إِنَّ الْفَقْرَ... جالب للمهوم (غررالحکم/ ح ۳۴۲۸). به راستی که فقر، اندوه‌آور است. عن أبي خالد، عن الصادق (ع): خمس خصال من فقد منهنّ واحدهً — لم يزل ناقص العيش زائل العقل مشغول القلب — فأولها صحّة البدن و الثانية الأمن و الثالثة السعة في الرزق و الرابعة الأنيس الموافق — قلت: و ما الأنيس الموافق؟ قال: الزوجه الصالحه — و الولد الصالح و الخليط الصالح — و الخامسة و هي تجمع هذه الخصال الذّعه (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۷). پنج خصلت است که هر کس یکی از آن را نداشته باشد، پیوسته زندگی او ناقص عقل او زایل و دل او مشغول است. ۱. تندرستی ۲. امنیت ۳. وسعت در روزی، ۴. دوست موافق، راوی پرسید: دوست موافق کیست؟ فرمود: همسر شایسته و فرزند صالح و رفیق صالح ۵. و فراغ خاطر و آسودگی می‌باشد که از جامع این صفات است.

۴ — تزلزل اعتقادی: از تلخ‌ترین آثار اعتقادی فقر، تأثیر منفی بر باورهای دینی و مانع افکنی در انجام وظایف عبادی است. النبی (صلی الله علی و آله): كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا. (کافی/ ج ۲/ ص ۳۰۷) فقر، آستانه‌ی کفر است. الإمام علی (علیه السلام): الْفَقْرُ طَرْفٌ مِنَ الْكُفْرِ. (الحیاه، ج ۴، ص ۴۲۳). فقر در کنار کفر است. الإمام علی (علیه السلام): ... فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۱). همانا فقر، مایه نقص در دین است. عن النبی (صلی الله علی و آله): أَلْهَمَ إِيَّيْ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ فَقَالَ رَجُلٌ: أَيْعَدِلَانِ؟ قَالَ (صلی الله علی و آله): نعم (میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۴۳۸). روزی پیامبر اکرم (صلی الله علی و آله) در دعای خود چنین فرمود: پروردگارا! از کفر و فقر به تو پناه می‌برم. شخصی پرسید: آیا این دو با هم مساوی‌اند؟ حضرت فرمود: آری.

۵ — عامل گناه و معصیت: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدِ زَوْجَتِهِ وَ ابْوِيهِ وَ وَلَدِهِ يَعْبُرُونَهُ بِالْفَقْرِ وَ يَكْلِفُونَهُ مَا لَا



یطبق فیدخل المداخل التي يذهب فيها دينه فيهلك (محرّج البیضاء / ۵۷/۳). رسول خدا فرمودند: زمانی بر مردم می‌آید که هلاکت و نابودی فرد به دست همسر و والدین و فرزندان اوست زیرا دائماً او را بخاطر فقرش سرزنش می‌کنند و کاری که در حد توانش نیست را بر او بار خواهند کرد، او نیز برای برآوردن توقعات نابجای آنان در هر مسیری که حتی دینش را از بین می‌برد گام می‌نهد و لذا هلاک می‌شود.

آثار مخرب فقر در حوزه اجتماعی

۱- **انزوای اجتماعی:** فقدان امکانات مادی و آثار زیان بار فقر بر شخصیت افراد از یک سو و حاکمیت ارزش‌های تکاثری در جامعه از سوی دیگر، مجالی برای حضور تهیدستان در عرصه‌های اجتماعی نمی‌نهد، حتی آنان در شهر و دیار خود نیز غریبند و تنها. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقِيرُ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ (الحیاء، ج ۲، ص ۳۹۴).** فقیر در شهر خود غریب است. فقیر از نظر اجتماعی، جایگاه و اعتبار شایانی ندارد به گونه‌ای که در اذهان افراد به فراموشی سپرده می‌شود. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقْرُ يَنْسِي (همان).** فقر، انسان را به فراموشی می‌سپارد. مردم، انسان فقیر را فراموش می‌کنند.

۲- **انزوای سیاسی:** انسان‌های فقیر، معمولاً در مراکز قدرت جایگاهی ندارند، چرا که برای شرکت در رقابت‌های سیاسی؛ توان مالی نداشته و نفوذ و تأثیر چندانی در میان توده‌های مردم نمی‌توانند داشته باشند. الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقِيرُ حَقِيرٌ لَا يُسْمَعُ كَلَامُهُ وَلَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ (همان، ص ۴۰۴).**

فقیر [در چشم مردم] بی‌مقدار است؛ نه سخنش شنیده می‌شود و نه جایگاهش شناخته می‌شود.

۳- **انزوای حقوقی:** شخص فقیر، به دلیل احساس ناتوانی، کاستی و انفعال نفسانی،

توانایی استدلال و دفاع از خود را ندارد، به ویژه آن جا که در برابر قدرت اقتصادی قرار گیرد. الإمام علی (علیه السلام): **وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ (نهج البلاغه / ح ۳) فقر،**

انسان زیرک را به هنگام بیان دلیل خویش لال می‌کند.

۴- **وارونه‌سازی و پامالی فضیلت‌ها:** در نگاه عده‌ای که ملاک قضاوتشان، تنها و تنها مال و ثروت است، ارزش‌های واقعی فرد فقیر را نیز نادیده گرفته و حتی ضد ارزش جلوه می‌دهند؛ و حال آنکه همین افراد ثروتمند را به دیده‌ی اعتبار و ارزش می‌نگرند! الإمام علی (علیه السلام): **الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسْمَوْنَهِ كَاذِبًا وَكَوْكَانَ زَاهِدًا يُسْمَوْنَهُ جَاهِلًا ...** (همان، ص ۴۱۳). اگر فقیر راستگو باشد، او را دروغگو نام نهند و اگر زاهد باشد، او را نادان خوانند.

۵- **ایجاد فضای دشمنی و نفرت:** حضرت امام علی (علیه السلام) به فرزندش محمد بن حنیفه می‌فرمودند: **(لَا يَنْبَغِي مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَةِ: يَا بَنِيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ ... دَاعِيَةٌ لِلْمَمْتِ (نهج البلاغه: الحكمة ۳۱۹).** فرزند، بر تو از فقر و تنگدستی می‌ترسم، از آن به خداوند پناه ببر، زیرا فقر ... مایه دشمنی و عداوت است.

۶- **سلب عزت و شرافت اجتماعی:** قال علی (علیه السلام) فرموده‌اند: گدایی طوق ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب می‌کند. (غررالحکم، ص ۹۹)

۷- **ترویج بی‌عفتی و فحشا:** زنان و مردان غیرمتأهل، فقیر و فاقد امکانات ازدواج، بیشتر از دیگران، در معرض بی‌عفتی و آلودگی به فساد جنسی قرار دارند: ... وَ لِيُسْتَعْفَفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... (نور/۳۳).

با وجود اثبات تأثیر قطعی پدیده قاچاق کالا در بروز معطلاتی مانند مصرف‌گرایی، بیکاری و فقر در جامعه، با ارجاع و با واکاوی مفاهیم مدنظر در ادبیات دین اسلام، به وضوح مشخص می‌گردد که یافته‌ها در بخش نخست، مصرف‌گرایی به عنوان یک امر نامطلوب در اسلام مذموم شناخته شده و دستورات صریح دینی بر نهی آن تأکید نموده‌اند. ترک اسراف و اتراف به عنوان دو مشخصه مصرف‌گرایی و شکل‌گیری

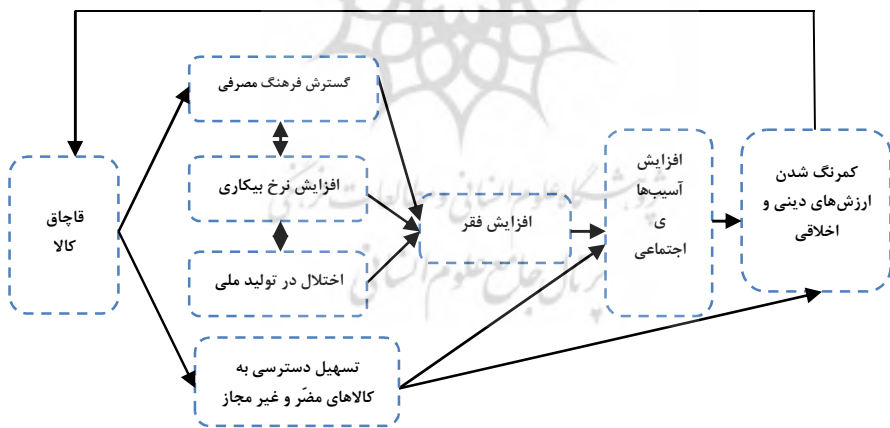
زندگی تجملی و تکاثری، بارها و بارها در متون دینی تذکر داده شده به طوریکه ظهور چنین اعمالی در جامعه اسلامی مساوی با فساد قلمداد گردیده است. این فرهنگ دارای تأثیر منفی زیادی بر سلامت فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی جامعه است که نتیجه آن غلبه ارزش‌های مادی و معیار قرار گرفتن این معیارها به مثابه منزلت اجتماعی می‌باشد. در بخش ارزش کار و نفی بیکاری نیز، مستندات ارائه شده حاکی از ستایش فرهنگ کار و تولید و نکوهش بیکاری است. در ادامه نیز به ابعاد اثرات فردی و اجتماعی فقر که یکی از نتایج مستقیم بیکاری در جامعه است پرداخته که این بررسی نشان داده که در نگاه دینی فقر یکی از عوامل اساسی بروز آسیب‌های اجتماعی و تنزل ارزش‌های دینی در جامعه است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله شامل سه بخش بوده که در بخش نخست به تعاریف نظری و مفهومی گذشت و در بخش دوم نتایج پژوهش‌های پیشین و آمارهای موجود با فراتحلیلی کیفی به شکل نظام مسائل حاصل از قاچاق ارائه گردید در بخش پایان نیز با واکاوی نظریات دین اسلام نسبت به نظام مسائل کشف شده پرداخته شد.

تحلیل همزمان بخش‌های مختلف این مقاله نشان می‌دهد که پدیده قاچاق با گسترش فرهنگ مصرفی، افزایش نرخ بیکاری، اختلال در تولید ملی، و تسهیل در دسترسی به کالاهای ممنوع و غیر مجاز و در نتیجه شکل‌گیری فقر در جامعه ارتباط مستقیم دارد. از این بین سه عامل اخیر در گسترش فقر در جامعه نقش بی‌واسطه و به سزایی را ایفا می‌نماید. فقر را می‌توان مادر آسیب‌های اجتماعی در جامعه دانست. با توجه به ابعاد فردی و اجتماعی و همچنین تأثیرات پدیده فقر، تقریباً همه نظریات جامعه‌شناختی و روانشناختی، فقر اقتصادی را به عنوان یک عامل آسیب‌زا در جامعه معرفی می‌کنند. یافته‌های ارائه شده از این نظام مسائل به ادبیات دینی، بیانگر این

مطلب مهم بوده که چنین موضوعی به طور مستقیم و یا با واسطه منجر به کمرنگی ارزش‌های دینی و به خطر افتادن سلامت اخلاقی و انسانی در جامعه می‌شود. نمودار زیر حاصل تحلیل بخش‌های مختلف این مقاله بوده که به صورت شماتیک ابعاد و پیامدهای پدیده قاچاق در به وجود آمدن گسترش فرهنگ مصرفی و فرایند تأثیر این فرهنگ در گسترش بیکاری، فقر، آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه نشان می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر نمودار تأثیر منفی مستقیم و بی‌واسطه نقش قاچاق کالاها، مصرفی غیرمجاز و ممنوع مانند مواد مخدر و مشروبات الکلی در سلامت دینی و اخلاقی جامعه است و ذکر این نکته که وجود چنین جامعه بازتولیدکننده پدیده قاچاق است. بدیهی است که رفع کم‌توجهی و شفاف‌سازی مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارهای دینی در این زمینه با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایران، از جمله راهبردهای لازم و مؤثر برای حل و تخفیف اثرات این پدیده در جامعه می‌باشد.



نمودار شماره ۴. فرایند تأثیرگذاری پدیده قاچاق در گسترش فرهنگ مصرفی و کمرنگ

شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقازاده، علیرضا (۱۳۸۵)، بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، تهران، نشر آثار اندیشه.
۳. افخم‌زاده، عبدالعزیز (۱۳۸۸)، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مصرف کالاهای خارجی و قاچاق «فرسایش ملی»، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۴. اشتریان، کیومرث، علوم سیاستگذاری و دستاوردهای آن برای ایران، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، گروه مسائل راهبردی ایران، تهران، ۱۳۸۵.
۵. افشار، عبدالله و سبحانی نژاد، مهدی، (۱۳۸۸)، علل ناکارآمدی مقابله با قاچاق، تهران، نشر معرفت، شماره ۱۴۶، ۱۶۱-۱۷۷.
۶. باکاک، ر. (۱۳۸۱)، مصرف، ترجمه خسرو صبوری، تهران: انتشارات شیرازه.
۷. بهار، مهری (۱۳۹۰)، مصرف و فرهنگ، تهران، انتشارات سمت.
۸. پژویان، جمشید و مداح، مجید (۱۳۸۵)، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲۰، صص ۴۳-۷۰.
۹. پوران، رضا (۱۳۸۸)، بررسی علل و آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی واردات کالاهای قاچاق در ایران، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم.
۱۰. پورنیازی، محمد تقی (۱۳۸۹)، ریشه‌ها و پیامدهای قاچاق کالا، ماهنامه قاچاق کالا و ارز، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۱. پیر مولر، سیاستگذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸، ۲۹۰.
۱۲. ترنر، جانانان اچ، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه فولادی و بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ص ۸۰.
۱۳. چولی، محمد؛ باقری، معصومه؛ حسین‌زاده، علی حسین (۱۳۸۹) بررسی عوامل اجتماعی — فرهنگی موثر بر سبک زندگی خانواده‌های ایرانی (مورد مطالعه: شهر

- ارومیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۴. روزه گی (۱۳۹۰)، تغییرات اجتماعی، منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۱۵. ذکایی، محمد (۱۳۸۶)، الگوی سبک زندگی ایرانیان به کوشش ابراهیم حاجیانی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۸۵.
۱۶. سیدی‌نیا، مصرف‌گرایی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸.
۱۷. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
۱۸. __ (۱۳۸۷)، تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه‌ی دانشجویی فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، بهار، صص ۱۷۵-۱۹۸.
۱۹. کوئن، بروس (۱۳۸۶)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چ هجدهم، تهران، سمت.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی.
۲۱. رضانی، علی، (۱۳۸۹)، تداوم قاچاق کالا و علل تشدید آن، تهران، نشر آفرینش، صص ۴۵-۶۳.
۲۲. رحمت ... قلی‌پور و ابراهیم غلام‌پور آهنگر، فرایند سیاستگذاری عمومی در ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۴.
۲۳. سلطانی‌نژاد، موسی (۱۳۸۹)، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی سیاسی مصرف کالاهای خارجی و قاچاق، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۲۴. سیف، اله‌مراد (۱۳۸۷)، قاچاق کالا در ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی.
۲۵. صارمی، امین و جورکش، رضا (۱۳۷۹)، تبیین قاچاق کالا از منظر جامعه‌شناختی، تهران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۳ و ۲.
۲۶. غلامی باغی، سعید و تاری، فتح‌الله (۱۳۸۹)، تاثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۴۸-۶۲.

۲۷. فروزنده، لطف‌الله؛ وجدانی، فؤاد؛ مجله اطلاعات سیاسی — اقتصادی»، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، شماره ۲۶۹ و ۲۷۰، ص ۱۸۰ — ۲۰۷.
۲۸. کریمی، ابوذر (۱۳۸۷)، علل و زمینه‌های قاچاق؛ پیامدهای قاچاق (پیش‌فرض‌ها و مفروضات)، www.shams44.blogfa.com.
۲۹. محسنی، حسن (۱۳۸۹)، پیامد های اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی قاچاق کالا، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۳۰. مددی، زهرا (۱۳۸۸)، قاچاق، تهران، موسسه تحقیقات تدبیر اقتصادی.
۳۱. مهرآفرین (۱۳۸۳)، قاچاق کرم خاردار اقتصاد، تهران، اتاق بازرگانی، شماره ۴۴۳.
۳۲. نصیری، شهرزاد (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و ارز و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، مجله الکترونیکی ویستا (vista).
۳۳. نوری، جعفر (۱۳۸۵)، پیامدهای اقتصادی و راهکارهای کنترلی پدیده قاچاق، مجله حقوقی مجد، مجتمع علمی فرهنگی مجد.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، ج ۲۰، تهران: انتشارات صدرا.
۳۵. وطن‌پور، علیرضا، (۱۳۸۷)، قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۸.

۳۶. Schwartz Shalom H. And Galit Sagie. (۲۰۰۰), Value Consensus And Importance, A Cross- National Study. Journal Of Cross- Cultural Psychology, Vol. ۳۱ No. ۴, ۴۶۵-۴۹۷, p: ۸.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی